

بررسی پدیده گرانی و راه‌های مقابله با آن در مصر دوره ممالیک بحری

فاطمه عسگری¹، ولی اله برزگر کلیشمی²
(دریافت مقاله: 98/08/19، پذیرش نهایی: 99/06/31)

چکیده

گرانی از جمله معضلاتی بود که مصری‌ها در بیشتر سال‌های حاکمیت ممالیک بحری، با آن مواجه بودند. علل مختلفی در بروز پدیده گرانی در این دوره تاثیر داشت که در نگاهی کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم بندی کرد. بررسی گرانی و علل بروز آن و نیز تحلیل و ارزیابی سیاست‌های اقتصادی ممالیک بحری برای راه‌های رهایی از آن و میزان کارایی این سیاست‌ها از اهداف اصلی این مقاله است. بررسی گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی دولت ممالیک بحری با توجه به وسعت و گستردگی گرانی و پیامدهای اجتماعی و سیاسی ناشی از آن، اغلب فاقد برنامه‌ریزی، ثبات و آینده نگری بود. سیاست‌های آنان اغلب گذرا و موقت بود و گاه به سبب دخالت و سوءاستفاده افراد و گروه‌های سودجو و وابسته به کانون‌های قدرت، به نتایج مطلوب و دلخواه نمی‌رسید. بنابر یافته‌های تحقیق، سیاست‌های مذکور به سبب فقدان پینش راهبردی و بلندمدت و اجرای نادرست مجریان و صاحبان قدرت، نقش مؤثری در زوال و فروپاشی سیاسی و در نهایت انتقال قدرت به ممالیک برجی داشت.

کلید واژه‌ها: تاریخ اقتصادی، مصر، ممالیک بحری، گرانی

1. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، asgari.ra.1992@gmail.com

2. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، (نویسنده مسئول)
v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir

مقدمه

در قرون میانه حکومتی متشکل از غلامان ترک تبار با نام‌های ممالیک بحری و برجی در مصر پدید آمد که قریب سه قرن به ترتیب بر این منطقه مهم و استراتژیک در جهان اسلام حکومت کردند. ممالیک بحری بردگانی بودند که ملک صالح ایوبی آنها را خریداری و وارد مصر کرده بود. جنگاوری و توان بدنی این غلامان زمینه ورود آنان را به ساختار نظامی حکومت ایوبی فراهم آورد و سرانجام با ضعف ایوبی‌ها، قدرت سیاسی به دست ایشان افتاد. آنها پس از دستیابی به قدرت، از طرق مختلف و با استفاده از ابزارهای گوناگون و اتخاذ سیاست‌های متنوع به تأمین و تقویت منابع مالی خود پرداختند. شرایط اقلیمی مصر و برخورداری از بنادر مهم در دریای مدیترانه و دریای سرخ و نیز نقش راهبردی آن در ارتباطات بازرگانی و تجاری شرق و غرب به ویژه در مسیرهای دریایی، درآمدهای مالی سرشاری نصیب آنان کرد. از سوی دیگر، به سبب جریان رود نیل در مصر، کشاورزی رونق بسیار داشت و یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی و منبع مهم مالی ممالیک به شمار می‌آمد. علاوه بر آن، دریافت انواع مالیات‌های شرعی و غیرشرعی، منافع حاصل از رونق صنایع و بهره‌مندی از غنایم جنگی و مانند اینها از دیگر منابع تأمین مالی ممالیک بحری بود. با این همه، بروز برخی عوامل طبیعی و انسانی نظیر تغییرات نیل، خشکسالی، شورش‌های داخلی و درگیری‌های خارجی، حوزه‌های مختلف نظام اقتصادی ممالیک را تحت تأثیر قرار می‌داد و با ایجاد اختلال در رونق اقتصادی، مشکلاتی پدید می‌آورد، از قبیل گرانی، کمبود ارزاق، احتکار و سرانجام کاهش منابع مالی.

گرانی از جمله مهم‌ترین معضلات اقتصادی بود که ممالیک بحری در سال‌های استیلا بر مصر و شام با آن مواجه بودند. مصر و شهرهای مهم آن در مقایسه با شام، نابسامانی‌ها و آسیب‌های بیشتری را در زمان وقوع گرانی تحمل می‌کردند. گرانی در پی بروز حوادث طبیعی و دخالت عوامل انسانی پدید می‌آمد و استیلای دولت بر آن در شرایط بحرانی به اقدامات فوری و سیاست‌های بلندمدت اقتصادی نیاز داشت. با این حال با توجه به شواهد و گزارش‌های موجود، دولت ممالیک بحری فاقد راهبردهای کلان و برنامه جامع و درازمدت اقتصادی برای پیشگیری و مهار پدیده گرانی و جلوگیری از گسترش آسیب‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از آن در موقعیت‌های بحرانی بود و اغلب به سیاست‌های کوتاه مدت و راه‌حل‌های زودگذر و موقت که موفقیت

چندانی نیز در پی نداشت، بسنده می‌کرد. ممالیک بحری علاوه بر سیاستگذاری و وضع قوانین مورد نیاز در حوزه‌های مختلف اقتصادی و انجام وظایف نظارتی، خود کارگزاری عمده و گاه انحصاری در فعالیت‌های اقتصادی بودند. نقش کارگزاری و بازیگری دولت ممالیک و سازمان اداری آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی و منافع شخصی و گروهی کارگزاران حکومتی در سطوح مختلف، در عمل موجب ناکارآمدی سیاست‌های مهار گرانی می‌شد و اجرای نادرست قوانین نیز، همان سیاست‌های موقت و کوتاه مدت را نیز ناکام و بی‌سرانجام می‌کرد. مسأله اصلی در این پژوهش، بررسی عوامل انسانی و علل طبیعی مؤثر در پیدایش گرانی‌ها در دوره ممالیک بحری در مصر و سیاست‌های اقتصادی حکومت برای مهار آن و نیز بررسی میزان موفقیت و کارآمدی سیاست‌های مذکور خواهد بود.

دربارۀ موضوع گرانی در دوره ممالیک بحری و بررسی سیاست‌های اقتصادی و اقدامات آنان برای مهار این پدیده اقتصادی- اجتماعی، پژوهش جامعی دست کم به زبان فارسی صورت نگرفته است. در مقاله «الأزمات الاقتصادية في مصر خلال العصر المملوكي الاول» نوشته عیسی محمود عسود العزام، بحران‌های اقتصادی این دوره، قیمت مواد غذایی و عوامل مؤثر در افزایش قیمت‌ها و اقدامات دولت برای رفع آن به اختصار بررسی شده و تا حدودی در صورت‌بندی کلی این مقاله راهگشا بوده است. همچنین مقاله دیگر مؤلف مذکور با عنوان «أسعار الحبوب و المواد الغذائية في مصر خلال عصر الممالیک البرجیه» و نیز کتاب «اسعار السلع الغذائية و الجوامک في مصر عصر دولة الممالیک الجراکسه» نوشته رأفت محمد النبرای گرچه به دوره ممالیک برجی مربوط است، در راهنمایی نویسندگان برای ملاحظه برخی منابع این دوره مؤثر بوده است.

گرانی و عوامل تاثیرگذار در بروز آن

چنانکه در مقدمه اشاره شد، گرانی از جمله مشکلاتی بود که چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی متعددی برای ممالیک بحری در سال‌های متمادی حاکمیت آنان بر مصر، پدید آورد. مانند تمامی بحران‌ها عواملی در پیدایش این پدیده اقتصادی دخیل بودند که در یک نگاه کلی آنها را می‌توان به دو دسته عوامل طبیعی و انسانی تقسیم کرد.

عوامل طبیعی

در میان عوامل طبیعی، نیل و دگرگونی‌های آن، از علل اصلی بروز مشکلات اقتصادی از

جمله گرانی بود. بسیاری از مآخذ تاریخ مصر از آن سرزمین با عنوان هدیه نیل یاد کرده اند. رود نیل به عنوان یک منبع آبی استراتژیک و گذرگاه راهبردی در حیات اقتصادی مصر به ویژه در بخش کشاورزی آن، جایگاهی خاص داشت و بدین سبب همواره در کانون توجه قدرت‌های سیاسی حاکم بر مصر بود. اهمیت این مسئله و توجه به آن در دوره حکمرانی ممالیک نیز در نوشته‌های مورخان این دوره مشهود است. برای مثال مورخانی نظیر ابن تغری بردی در سراسر اثر ارزشمند خود "النجوم الزاهره" پس از ذکر وقایع به صورت سالشمار، در انتهای هر سال به نیل و شمار نقصان‌ها و فیضان‌های آن در هر سال اشاره کرده است. نقصان و فیضان نیل در برخی سال‌ها خسارت فراوانی در حوزه کشاورزی و عمرانی به بار می‌آورد و این موضوع در رکود اقتصادی مصر نقش چشمگیری داشت. یکی از مهم‌ترین نتایج آن، بروز گرانی و افزایش قیمت کالاها یا تشدید آن در پی کاهش محصولات کشاورزی بود.

ممالیک بحری که در سال‌های پایانی نیمه اول قرن ۷ ق به حکومت مصر دست یافتند، بارها شاهد نقصان و فیضان نیل و بحران‌های ناشی از آن بودند. بنابر گزارش‌های تاریخی مربوط به این دوره، با کاهش آب نیل، خشکسالی مناطق وسیعی را دربرمی‌گرفت و به دلیل فقدان آب کافی برای زمین‌ها، کشاورزی دچار رکود می‌شد و بدین ترتیب، مردم در شرایط سختی قرار می‌گرفتند. افزایش ظلم و ستم والیان و فشار مالی بر مردم در چنین شرایطی بر وخامت اوضاع می‌افزود و آنها به سختی مایحتاج خود را تأمین می‌کردند (العینی، ۲۷۵/۳-۲۷۷؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۳۱/۴). از سوی دیگر، افزایش آب نیل و طغیان آن و ورود سرریز آب به زمین‌های کشاورزی نیز پیامدهای خاص دیگری به دنبال داشت؛ از جمله ماندن آب راکد و نشست زمین‌های کشاورزی. چنانکه در سال ۷۲۳ ق در پی سر ریز شدن رود نیل، زمین‌های ناحیه جزیره نشست کردند (مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ۲۹۴/۳). با زیر آب رفتن زمین‌ها، کار کشاورزی به تأخیر می‌افتاد. همچنین بر اثر بالا آمدن آب، گاه سدهایی که برای حفاظت از مناطق مسکونی و سایر مکان‌ها در ساحل رود ساخته شده بود، شکسته می‌شد و آب، خانه‌ها، باغ‌های پیرامونی، کارگاه‌های نیشکر و عصاره‌گیری، دارالضرب‌ها را فرامی‌گرفت (نویری، ۲۵۴/۳۲-۲۵۵). فیوم از جمله مناطقی بود که در پی فیضان نیل و شکست سدها در سال ۷۲۴ ق به زیر آب رفت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۷۵/۳). ورود آب به روستاها و انبارهای غله و

نابودی غلات موجب افزایش قیمت ارزاق و کالاهای ضروری می‌شد (مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ۳ / ۲۹۳-۲۹۵؛ همو، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۳ / ۶۷، ۴۰۱؛ ابن ایاس، ۱ / ۵۲۱-۵۲۳).

فیضان و نقصان نیل در طول یک سال، گاه موجب کاهش شدید و نیز نابودی محصولات زراعی می‌شد (عبده قاسم، ۵۳-۵۴) و بنابراین، کمبود محصولات زراعی از یک سو و احتکار و ذخیره غلات برای استفاده در مواقع نیاز یا فروش آن به قیمت بیشتر، موجب گرانی، تورم و افزایش تقاضا می‌شد. گندم مهم‌ترین غله مورد نیاز مردم بود که در نتیجه تغییرات نیل، قیمت آن افزایش می‌یافت. البته تغییرات نیل علاوه بر گندم، در افزایش قیمت سایر اقلام خوراکی مورد نیاز مردم نیز تاثیر داشت.

علاوه بر نیل و پیامدهای اقتصادی ناشی از نقصان یا فیضان آن، عوامل طبیعی دیگری نیز در بروز و تشدید بحران‌های اقتصادی مؤثر بود؛ مانند وزش بادهای گرم و خشک در سرزمین مصر. وزش این بادهای در طی سال‌های حکمرانی ممالیک در مصر گاه خسارت‌های مادی چشمگیری برجای می‌گذاشت و پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای از جمله گرانی به بار می‌آورد. برپایه گزارش‌های تاریخی در سال‌های ۶۹۵ و ۷۰۷ ق. وزش باد گرم و شدید، محصولات را خشکاند؛ قیمت غلات افزایش یافت و هر اردب گندم به ۹۰ درهم رسید و میوه نیز نایاب شد؛ نیشکرها از بین رفت و قیمت شکر و عسل افزایش یافت (نویری، ۱۳۱/۳۲؛ مقریزی، اغاثه الامه، ۱۰۷). این اتفاق در سال ۷۲۳ ق نیز پیش آمد. همچنین وزش باد گرم در سال ۷۳۸ ق در فصل برداشت محصول، به کشاورزی ۲۸ ناحیه در مصر خسارت وارد کرد (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۳ / ۶۶، ۲۴۷). گرانی غلات در پی وزش این نوع باد در سال ۷۷۹ ق نیز تکرار شد (منصوری، ۳۹۴). علاوه بر بادهای گرم و خشک، وقوع باران‌های سیل آسا یا بروز سرمای شدید نیز در برخی سال‌ها، گاه نتایج زیانبار اقتصادی داشت و گرانی را دامن می‌زد؛ چنانکه سرمای شدید سال ۷۰۰ ق به مدت ۴۰ روز در مصر ادامه یافت و در روند واردات کالا اختلال ایجاد کرد و موجب وقوع گرانی شد (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۳ / ۲۴، ۴۵-۴۶).

آفات گیاهی و هجوم موش، ملخ و کرم به محصولات کشاورزی، نمونه‌هایی دیگر از عوامل طبیعی بود که در سال‌های مختلف محصولات کشاورزی را از بین می‌برد و دولت ممالیک بحری را با بحران‌های اقتصادی ناشی از کمبود غلات مواجه می‌کرد. هجوم

موش صحرایی به مصر و شهرهای اطراف آن در سال‌های ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۱۵ و ۷۳۸ ق بسیاری از غلات و محصولات کشاورزی را از بین برد. منطقه حاصل خیز صعيد یکی از مناطقی بود که خسارات فراوانی متحمل شد. شدت هجوم موش‌های صحرایی در سال ۷۳۸ ق به گونه‌ای بود که کشاورزی در مناطقی مثل شهر منفلوط به کلی نابود شد و غلات موجود در خرمن‌ها از بین رفت و کار به کمبود و گرانی غلات کشید (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۲۸۰/۲، ۳۱۶، ۵۱۰؛ ۳/۲۴۷، ۲۸۰). همچنین هجوم ملخ به ساحل غلات، از مناطق مهم مصر واقع در منطقه بولاق که غلات برای فروش به آنجا منتقل می‌شد، در سال‌ها ۷۰۳ و ۷۶۵ ق به نابودی غلات منجر شد. در سال ۷۲۸ ق نیز محصولات غله مصر دچار کرم زدگی شد و از بین رفت. مهم ترین پیامد شیوع آفات گیاهی، کمبود و گرانی غلات بود (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۳۷۰/۲؛ ۳/۱۱۱؛ ابن کثیر، ۳۰۷/۱۴). گاه بروز هم زمان عوامل مختلف طبیعی در یک سال، بر وخامت اوضاع می‌افزود؛ چنانکه در سال ۶۷۶ ق به سبب قحطی ناشی از خشکسالی، مردم گرسنه، ناگزیر به شکار و خوردن ملخ‌های مهاجم روی آوردند (ابن ایاس، ۳۹۰/۱-۳۹۱).

علاوه بر عوامل طبیعی مذکور، دسته‌ای دیگر از عوامل طبیعی نظیر بیماری‌های فراگیر طاعون و وبا، به طور غیر مستقیم، میزان تولید محصولات کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌داد و زمینه کمبود محصولات کشاورزی و در نهایت گرانی آن را فراهم می‌ساخت. برای مثال، شیوع طاعون در مصر در سال ۷۴۹ ق، ۷ سال ادامه یافت و موجب مرگ کشاورزان و در نتیجه عدم برداشت محصول و نابودی زراعت شد و از سوی دیگر، کمبود واردات غلات از فرنگ بحران را تشدید کرد، زیرا آنها هم گرفتار طاعون بودند و قیمت هر اردب غله در مصر تا ۲۰۰ درهم افزایش یافت (ابن ایاس، ۴۷۱/۱-۴۷۲، ۵۲۳-۵۲۷، ۵۳۱؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۸۵-۸۴/۴، ۸۹-۹۰). شیوع طاعون در سال ۷۷۶ ق نیز موجب گرانی و گسترش آن و رکود بازار شد (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۳۷۴/۴-۳۷۵، ۳۷۸؛ ابن ایاس، ۱/۲، ۱۳۷).

بیماری‌ها از جانب دیگر نیز موجب افزایش قیمت برخی کالاهای خاص به ویژه اقلام مورد نیاز بیماران می‌شدند. چنانکه در سال ۷۰۰ ق قیمت هر قنطار قند که در درمان نیز کاربردهایی داشت، تا ۱۰ دینار افزایش یافت (منصوری، ۳۵۱؛ سیوطی، ۲۵۸/۲). همچنین عطاران هنگام بروز بیماری‌های واگیردار و افزایش تقاضا برای خرید دارو، قیمت انواع داروهای خود را افزایش می‌دادند (مقریزی، اغاثه الامه، ۱۰۹).

عوامل انسانی

در کنار علل طبیعی، مجموعه‌ای از عوامل انسانی نیز به بحران‌های اقتصادی و بروزگرانی در مصر دامن می‌زد. بخش مهمی از علل انسانی مربوط به گرانی، به ساختارهای معیوب اقتصادی، هیأت حاکمه و کارگزاران حکومتی بازمی‌گشت. اقتصاد دولت ممالیک بحری از جهت ساختاری، دولتی و انحصارگرا و اغلب حوزه‌های مهم اقتصادی را نظام قدرت و کارگزاران وابسته به آن در دست داشت. به همین سبب، بسیاری از اقدامات و سیاست‌های دولت برای مهار بحران‌های اقتصادی از جمله گرانی، ضمن آن‌که فی‌نفسه دچار نقصان و گذرا و موقت بود، در عمل نیز به سبب ساختار دولتی اقتصاد و انحصارگرایی حاکم بر آن، گرفتار سوداگری و سودجویی کارگزاران نظام سیاسی از جمله امیران می‌شد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در گرانی‌ها و تنش‌های اقتصادی این دوره خواهیم پرداخت.

جنگ‌های خارجی و تنش‌های سیاسی داخلی

درگیری‌های سیاسی- نظامی ممالیک بحری با حکومت‌های خارجی و گروه‌های معارض و مخالف داخلی در تمام سال‌های حکومت آنان بر مصر و شام تداوم داشت. گرانی و نوسان قیمت‌ها یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تعارضات سیاسی بود. شکست یا پیروزی هر یک از دو طرف جنگ، آثار و نتایج متفاوتی به بار می‌آورد. کسب اموال و غنایم فراوان یا بالعکس نابودی شهرها، تخریب اراضی کشاورزی و غارت ذخایر و محصولات زراعی برای هر دو سوی جنگ مُحتمَل بود. تنش در تجارت خارجی و رکود آن، افزایش قیمت کالاها و ارزاق در نتیجه کمبود یا تحریم اقتصادی از مهم‌ترین آثار منفی جنگ‌های ممالیک با دشمنان خارجی بود. برای مثال در سال ۷۶۷ ق دولت‌های خارجی به رهبری حاکم قبرس به اسکندریه یورش آوردند و ۱۴ روز آنجا را عرصه تخریب و غارت قرار دادند. در پی آن، ممالیک نیز خارجی‌های مصر و شام را دستگیر کردند (ابن ایاس، ۲۱۱-۲۵). در مقابل، حاکم قبرس، سواحل مصر و سایر مناطق را از نظر اقتصادی تحریم کرد. با تعطیلی راه‌های تجاری و غارت سواحل، گرانی گسترده‌ای حاکم شد و بدین ترتیب، ممالیک از مواضع سیاسی خود علیه آنها عقب نشستند (طوقوش، ۳۱۶، ۳۱۹).

مواضع سیاسی برخی گروه‌های داخلی که عرب‌ها در رأس آنها قرار داشتند و مقابله با سیاست‌های داخلی ممالیک بحری، مشکلات و فجایع بسیاری، هم برای دولت و هم

مردم به ویژه کشاورزان به بارمی آورد. هنگام شورش این گروه‌ها و طوایف عرب ساکن در منطقه، آسیب‌ها و خسارات فراوانی به کشاورزی و غلات وارد می‌آمد و مصر با کمبود و گرانی مواجه می‌شد. حملات پی در پی آنان به روستاها و زمین‌های کشاورزی علاوه بر نابودی غلات، به مرور به نابودی زمین‌ها نیز می‌انجامید (عبدالمنعم، ۱۷-۱۸). مهم‌ترین پیامد تنش‌های داخلی، افزایش قیمت ارزاق و غلات بود. برای نمونه در سال ۷۴۸ق دامنه آشوب و طغیان عرب‌ها گسترش یافت و آنها غلات خرمن‌ها را غارت کردند و با خود بردند. این شورش‌ها، همراه با کاهش آب نیل و توقف تردد کشتی‌ها موجب شد قیمت گندم در این سال افزایش یابد. این طغیان‌ها در سال ۷۵۲ق نیز بسیاری از غلات و کارگاه‌های شکر را در منطقه صعيد مصر از بین برد. این حادثه در حالی اتفاق افتاد که مصر با خشکسالی روبه‌رو شده بود و محصولی برای برداشت وجود نداشت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۴۶/۴، ۱۴۴). علاوه بر نابودی غلات و کارگاه‌های نیشکر و خمره‌های پر از قند و شکر و عسل، بازارها نیز تخریب و غارت می‌شدند (همان، ۱۹۴/۴-۱۹۵)؛ چنانکه بازار منطقه دمنهور در پی حمله عرب‌ها در سال ۷۸۲ق از میان رفت (ابن ایاس، ۱/ق ۲، ۲۶۶).

انحصارگرایی حکومت در اقتصاد

وابستگی ممالیک بحری به نیروی نظامی ثابت برای حفظ قدرت، باتوجه به خاستگاه بردگی و غیربومی آنان، امری اجتناب‌ناپذیر بود. تمشیت امور این نیرو به ویژه پرداخت حقوق و مستمری آنان، ضرورت تداوم نظام اقطاع را که پیش از ممالیک نیز در مصر حاکم بود، دو چندان می‌کرد (کمال موجانی و احمد خلف، ۱۰۳-۱۰۵). زمین‌های مصر میان سلطان، امیران و سربازان آن‌ها تقسیم شده بود، بدون اینکه مصری‌ها که صاحبان این سرزمین بودند، بهره و نصیبی از آن داشته باشند (شبارو، ۱۳۳-۱۳۴). در این دوره نه تنها اراضی کشاورزی، بلکه معادن، شمار قابل توجهی از اوقاف و ارزاق احباسیه، زمین‌های مسیحیان، اراضی بایر و حتی مراتع، برخی از انواع مکوس نظیر جزیه یا جوالی که از زمان ملک ناصر محمد به امیران اقطاع دار تفویض شده بود، مالیات ساحل غلات، زندان‌ها، دلالی، پرورش جوجه، مالیات آوازه خوان‌ها و شهرها نیز در شمار اقطاعات قرار داشتند (طرخان، ۶۹-۷۷، ۸۰-۸۱). تمرکز اقطاعات در دست این سه گروه و قرار گرفتن برخی کالاها در شمار اقطاعات، زمینه پیدایش انواع انحصارات را در اقتصاد

فراهم آورد؛ به گونه‌ای که اقطاع داران می‌توانستند محصولات خود را به قیمت گزاف به تجار و مردم عامه بفروشند و همین امر می‌توانست عامل مهمی در وقوع گرانی و افزایش قیمت‌ها باشد (یوسفی، ۸۲).

کشاورزان که برای تأمین معاش خود بر زمین‌های اقطاعی کار می‌کردند، موظف بودند برخی مالیات‌ها مانند خراج را پرداخت کنند (عبدالرشیدبحر، ۱۳۹). کشاورزان از زمان ملک معز مشمول پرداخت انواع مکوس (مالیات‌های غیرشرعی) نیز شدند. پرداخت خسارت‌ها و هزینه‌های مربوط به جنگ و امور عام المنفعه نظیر ساخت پل، هزینه‌های سفر واسکان سلطان نیز بر دوش کشاورزان بود (همان، ۱۵۴، ۱۶۰). دریافت مالیات‌های گسترده از کشاورزان و عدم توانایی آن‌ها در پرداخت، آن‌ها را مجبور می‌کرد تا از روستاها مهاجرت کنند (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۳۷۴-۳۷۵). این امر موجب کاهش تولید غلات و محصولات کشاورزی می‌شد و نتیجه‌ای جز قحطی و گرانی محصولات کشاورزی در پی نداشت. به‌رغم وجود برخی موارد استثنائی، عمال و کارگزاران حکومت در فضای انحصارات اقتصادی و به دلیل منفعت طلبی و ویژه خواری، به جای کوشش برای مهار گرانی، در عمل به بروز گرانی و تشدید آن کمک می‌کردند. برای مثال در سال ۷۳۶ق قیمت گندم به صورت پلکانی افزایش یافت. به‌رغم تنبیه برخی از متخلفان، واردات غله، قیمت‌گذاری گندم توسط سلطان و نیز منع امیران از خرید و فروش گندم، گرانی برطرف نشد؛ زیرا دلالت‌ها به صورت پنهانی گندم را به قیمتی بیشتر از میزان تعیین شده می‌فروختند. پس از آن سلطان خود به بررسی علت گرانی پرداخت و دریافت که بیشتر غلات موجود در مصر نزد امیران است (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۹۹/۳-۲۰۱). در واقع امیران به دلیل بازار انحصاری گندم و برای کسب سود بیشتر، حاضر نبودند گندم به اندازه کافی در بازار عرضه کنند و به سبب افزایش تقاضا در بازار، در عمل سیاست‌های دولت نظیر قیمت‌گذاری و واردات گندم تأثیری در مهار گرانی نداشت.

حوزه تجارت نیز به سبب عواید سرشار، میدان جذابی برای مشارکت مستقیم سلاطین مملوکی یا کارگزاران حکومت بود. حضور مستقیم صاحب منصبان در امر تجارت، عرصه را برای فعالیت سایر تاجران تنگ‌تر کرد و نوعی از انحصار در حوزه تجارت پدید آورد. همچنین حمایت گسترده از برخی تاجران یا خاندان‌های تجاری خاص به سبب منافی که برای سلاطین مملوکی و مقامات رده بالا داشتند، فضای

رقابت را برای سایر تجار به ویژه تاجران خرد، سخت تر و محدودتر کرده بود. برای مثال، محمد بن عبدالوهاب قاضی قوص که مشغول تجارت بود، در هنگامه گران سال ۷۳۵ق ۲۵۰۰ اردب غله داشت و می خواست قیمت را افزایش دهد که سلطان پی برد و دستور مصادره املاک و عزل او را از شغل قضاء صادر کرد (بطاوی، ۱۴۴-۱۴۵).

گاه انحصار تجارت برخی کالاها در دست برخی تاجران مورد حمایت سلاطین یا امیران، در نوسانات قیمت در بازار مؤثر بود. برای مثال کارمیه که گروهی از تاجران مغربی بودند با حمایت ممالیک، به تدریج انحصار تجارت ادویه جات را در اختیار گرفتند (ابن تغری بردی، ۲۱۱/۹-۲۱۲). آنها از مبادی هند و شرق دور انواع ادویه جات و رنگ را تهیه می کردند و تجارت آنها تا هند و چین گسترش یافته بود (نعیم زکی، ۱۴۴). کارمی ها با برخورداری از ثروت فراوان، در نوسانات بازارهای مصر تاثیر بسیار داشتند (Fischel, 169-170). آنها از میان خود کسی را به عنوان رئیس گروه انتخاب می کردند و اعتبار ریاست وی به تنفیذ سلطان مملوکی بستگی داشت. سلطان نیز بسته به منافع و میزان خدماتی که از بابت فرد مذکور عاید سلطان می شد، ریاست او را تأیید می کرد (ابن تغری بردی، ۲۱۱/۹-۲۱۲). در سال های بعد، سلاطین مملوک این راه تجاری را در اختیار خود گرفتند و واسطه تجارت شرق و غرب شدند؛ بنابراین، تاجران کارمی را کنار زدند و قیمت کالاها و ادویه را افزایش دادند (نعیم زکی، ۱۲۴-۱۲۹).

قیمت گذاری غلات بدون توجه به ساز و کار بازار و تمرکز توزیع آن در نظام دولتی از دیگر نشانه های انحصارگرایی در اقتصاد بود: هر چند در ظاهر برای مهار قیمت ها اقداماتی صورت می گرفت، ولی در عمل، اغلب، کار به افزایش قیمت غلات منجر می شد و سود سرشاری نصیب دست اندرکاران از جمله امیران می کرد. غلات تنها محصول با ارزش مصریان، برای معیشت مردم، درآمدهای مالیاتی و تأمین آذوقه کارگزاران دولتی اهمیت حیاتی داشت. محصول غلات رعایا به قاهره انتقال می یافت و در محل ساحل غلات در منطقه بولاق جمع آوری می شد تا بر آن مالیات وضع شود. واردات غلات تجار اروپایی نیز از همین محل انجام می شد (Lapidus, 1-2). هیچ یک از مردم اجازه نداشتند، پیمانهای از غلات خود را در سایر نواحی بفروشند و غلات را برای فروش باید به محل خص الکیاله در بولاق می بردند (مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ۱/ ۱۶۷). خارج کردن محصول از دست گروه های تولیدکننده به طرق مختلف و نگهداری آن در انبارهای معین شده حکومت، قیمت گذاری غلات، وضع مالیات بر آن و

توزیع و تقسیم آن بر اساس وظایف سیاسی و اجتماعی سلطان و امیران، در واقع موجب تمرکز غلات در دست دولت می‌شد و این امر از عوامل موثر در بروز گرانی و افزایش قیمت‌ها در این دوره بود (Lapidus, 1, 5-6, 9). دولت ممالیک قصد داشت با قیمت‌گذاری، استیلای خود را بر قیمت‌ها و بازار اعمال کند، ولی در عمل نتایج عکس می‌گرفت. برای مثال، در سال ۶۶۲ق به سبب افزایش قابل توجه قیمت غلات به ویژه گندم، سلطان خود قیمت‌هایی را مصوب کرد، اما نه تنها گرانی کاهش نیافت، بلکه نان و غلات نایاب شد و قیمت سایر اقلام نیز افزایش یافت و مردم برای تهیه‌ی مایحتاج خود در مشقت افتادند، بنابراین، سلطان ناگزیر نرخ‌های اعلام شده را لغو کرد (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۲/۵-۶).

سیاست‌های پولی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در بروز گرانی، آشفتگی در نظام پولی و تغییرات پی در پی پول رایج بود. ممالیک با توجه به شرایط موجود، سکه‌هایی به نام فلوس ضرب کردند که ضریب ایمنی کمتری داشت. از آنجا که جعل و تقلب در عیار سکه‌های جدید کار دشواری نبود، زمینه برای رواج سکه‌های تقلبی فراهم شد. با افزایش فلوس‌های تقلبی، روند کار بازار و داد و ستد تجار مختل گردید. تعلل و سرگردانی حکومت در رسیدگی به مشکلات نظام پولی و تزریق سکه‌های جدید بدون جمع‌آوری سکه‌های قبلی، بی‌اعتمادی در بازار و خودداری تاجران از فروش ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم را افزایش داد. کاهش عرضه همراه با افزایش تقاضای مردم برای خرید مایحتاج و ذخیره‌ی کالاهای مورد نیاز، گرانی و افزایش قیمت‌ها را در پی آورد. بر پایه‌ی گزارش‌های موجود، ضرب سکه‌ی جدید فلوس در مقادیر چشمگیر و افزایش سکه‌های تقلبی موجب افزایش قیمت‌ها از جمله قیمت غلات، آشفتگی اوضاع اقتصادی مردم، اختلال در روند کار بازار، تعطیلی مغازه‌ها و کمبود نان شد (سیوطی، ۱۲/۲؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۲/۳۹۰؛ ۱۳/۲۶، ۷۱، ۱۹۷؛ ۴/۳۸، ۸۰؛ ۵/۱۲۸؛ یوسفی، ۲۸۸؛ ابن ایاس، ۱/ق ۲، ۲۹۶).

اقدام ناصر محمد قلاوون در سال‌های ۷۱۸ و ۷۲۰ ق در ضرب سکه‌های جدید به نام قرطاس و سکه‌ی ناصری بدون جمع‌آوری سکه‌های قبلی نتیجه‌ای جز اختلال در امور مالی مردم و ایجاد تورم نداشت (عبدالهادی موسی، ۲۵۹؛ نویری، ۳۲۳/۳۲-۳۳۳). همچنین در سال ۷۴۵ ق رواج فلوس‌های تقلبی، موجب افزایش قیمت کالاها شد و به

سبب رکود داد و ستد با فلوس‌های رایج، دولت ناگزیر، انبوهی فلوس از شام وارد کرد؛ ولی این اقدام بر وخامت اوضاع افزود. در نهایت دولت، مردم را ملزم کرد تمام فلوس‌های خود را به دارالضرب انتقال دهند تا فلوس جدیدی ضرب شود. این گونه حوادث در دوره ممالیک بارها رخ داد و گرانی و اختلال بازار را به دنبال داشت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۳/ ۴۱۸؛ نویری، ۳۳/ ۱۳).

عدم ساماندهی درآمدها و هزینه‌های دولت

فقدان برنامه‌ریزی در توزیع و تخصیص منابع و عدم تناسب میان درآمدها و هزینه‌های دولت، گاه موجب تورم و افزایش قیمت‌ها می‌شد. برای مثال، سبب اصلی گرانی گسترده در سال ۶۹۵ ق در قاهره و نواحی اطراف آن، خرید غله برای انبارهای سلطان بود. انبارهای سلطانی به سبب بخشش غلات انبارها به امیران و دیگر افراد خالی شده و هیچ غله‌ای باقی نمانده بود. بنابراین، خرید غلات و ذخیره آن در انبارهای سلطانی، امری اجتناب‌ناپذیر بود. بدین ترتیب، وزیر ناگزیر حجم قابل توجهی گندم برای انبارهای سلطان خرید و این کار موجب افزایش قیمت‌ها شد (نویری، ۳۱/ ۲۹۴-۲۹۵). همچنین میان افزایش هزینه‌های دولت و اخذ انواع مالیات‌ها یا افزایش مقدار آن برای جبران کسری منابع مالی با بروزگرانی ارتباط وجود داشت. برای مثال دولت ممالیک در سال ۷۴۸ ق به سبب پرداخت‌های خود به خادمان، پیرزنان و کنیزان دچار کسری بودجه شد، بنابراین، عواید و مالیات‌های برخی مناطق مانند زمین‌های بهیت و جیزه و مقبل رومی را که بالغ بر ۱۰ هزار هکتار زمین بود، گرد آوری کردند (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۴/ ۴۳). زمانی هم که افراد از پرداخت مالیات سرباز می‌زدند و درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده، محقق نمی‌شد، دولت برای جبران کمبود بودجه، ناچار قیمت‌ها را دستکاری می‌کرد (طوقوش، ۴۶) و این امر نیز موجب گرانی کالاها و تشدید آن می‌شد.

سیاست‌های اقتصادی دولت برای مهار گرانی

ممالیک بحری برای مهار گرانی‌ها و مدیریت بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل طبیعی و انسانی، اقدامات و سیاست‌های متنوعی به کار می‌گرفتند. اغلب سیاست‌ها، کوتاه مدت و برای حل و فصل مشکلات موقت بود. پاره‌ای از اقدامات دولت نظیر ساخت سد، ایجاد خلیج و حفر کانال‌های فرعی برای مقابله با فیضان یا نقصان نیل، هر چند ماهیت

اقتصادی نداشت، ولی به سبب ارتباط مستقیم آن با مهار پیامدهای اقتصادی ناشی از تغییرات نیل، به اختصار بررسی خواهد شد. به طور کلی، سیاست‌های اقتصادی ممالیک، نظیر واردات غله، توزیع غلات ذخیره شده در انبارهای سلطانی و امیران، قیمت‌گذاری، مصادره اموال، بخشش‌های مالیاتی، سیاست‌های تنبیهی، به ندرت ماهیت پیشگیرانه و آینده‌نگرانه داشت. در ادامه مهم‌ترین اقدامات و سیاست‌های ممالیک بحری برای مدیریت و مهار بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل طبیعی و انسانی بر پایه داده‌های موجود در منابع این دوره، بررسی می‌شود.

اقدامات دولت برای مقابله با پیامدهای حوادث طبیعی

بیان شد که تغییرات نیل و نقصان و فیضان آب آن یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اوضاع اقتصادی مصر بود. نیل و شاخه‌های فرعی آن، رکن اصلی آبیاری اراضی زراعی در مصر بود و اختلال در آن، پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای در پی داشت. برخی اقدامات دولت نظیر ساخت سد و حفر شاخه‌های فرعی برای پیشگیری، کافی نبود. پاره‌ای دیگر از تدابیر دولت جنبه درمانی داشت و برای رفع بخشی از مشکلات به وجود آمده در اثر تغییرات نیل و جلوگیری از گسترش آن صورت می‌گرفت. برای مثال در سال ۷۱۷ق آب نیل بیش از حد بالا آمد و برخی از نواحی اطراف قاهره زیر آب رفت و با ویرانی چندین سد، راه‌های ارتباطی قاهره و نواحی اطراف بسته شد. شکسته شدن سدها، محصولات و خانه‌ها و اموال مردم را از بین برد (مقریزی، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، ۳/ ۲۹۳-۲۹۵). اقدامات دولت برای بازسازی سدهای خراب شده و ساخت سد جدید کافی نبود تا آنکه دوباره در سال ۷۲۳ق قاهره در محاصره آب قرار گرفت و باغات منطقه بولاق نیز زیر آب رفت. ملک ناصر محمدبن قلاوون از بیم سرازیر آب به قاهره، دستور داد تا از بولاق تا منیه الشیرج سدی به سرعت ساخته شود (همانجا). سدهای ساخته شده هم کیفیت و کارایی لازم را نداشت. برای نمونه در سال ۷۴۸ق امیر منجک به دستور سلطان مأموریت یافت تا سدی در شهر جیزه بسازد. برای ساخت این سد که از روضه تا آروی امتداد داشت و به سد وسطی معروف بود، ۴۰۰ هزار دینار هزینه شد و مردم نیز مالیات‌های هنگفتی پرداختند، اما این سد به این سبب که ارتفاع آب نیل هنگام فیضان از ارتفاع آن بیشتر بود، سرانجام زیر آب رفت و خراب شد. سلطان، امیر منجک را از وزارت عزل و به پرداخت خسارت‌های وارده محکوم کرد (ابن

ایاس، ۱/ ۵۲۱-۵۲۳). رها سازی آب از سدهای بالادست، اقدامی بود که دولت هنگام کاهش آب نیل و برای حفاظت از اراضی کشاورزی انجام می‌داد. برای مثال در سال‌های ۷۰۹ و ۷۷۵ ق به سبب کاهش آب نیل و تداوم سیر نزولی آن، آب از سدها رها شد، ولی آب کافی در خلیجی که به همین منظور احداث شده بود، جمع نشد و کاهش آب ادامه یافت (ابن ایاس، ۱/ ۴۲۴-۴۳۰؛ ۱/ق ۲، ۱۲۴-۱۲۶).

بخشش‌های مالیاتی از جمله اقدامات درمانی دولت برای کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از حوادث طبیعی بر مردم و کشاورزان بود. برای مثال سیف الدین قلاوون در پی بالا آمدن آب نیل و شکسته شدن یکی از سدها و آسیب دیدن زمین‌های کشاورزی، برخی از مالیات‌ها را بخشید و خسارت زمین‌های اقطاعی را نگرفت (قلقشندی، ۳۸۷/۸). همچنین سلطان مملوکی در سال ۷۳۸ ق به دلیل وزش باد گرم در مناطق غربی مصر و نابودی محصولات کشاورزی و اوضاع نامناسب کشاورزان، خراج ۲۸ روستا را بخشید (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۳/ ۲۴۷).

همراه با اقدامات دولت، عالمان نیز برای تقلیل آلام، تقویت روحی مردم و درخواست نزول برکت و رفع نعمت از درگاه خدا، آنان را به دعا و روزه و پرهیز از محرّمات فرا می‌خواندند. برای مثال در سال ۷۶۴ ق در پی کاهش آب نیل و گرانی شدید، شیخ صالح سید محمد وفا، مردم را به دعا و التجاء به درگاه خداوند دعوت کرد (ابن ایاس، ۱/ق ۲، ۶-۷). همچنین در سال ۷۷۵ ق در پی کاهش آب نیل، عالمان از مردم قاهره خواستند که سه روز روزه بگیرند، نماز بخوانند و از گناهان دوری و توبه کنند (همان، ۱/ق ۲، ۱۲۴-۱۲۶).

توزیع غلات ذخیره شده و واردات آن

یکی از سیاست‌های معمول ممالیک در مواقع قحطی، خشکسالی و تغییرات نیل و گرانی‌های ناشی از آن، تنظیم بازار غلات و مهار قیمت، آزادسازی غلات ذخیره شده در انبارهای سلطانی و توزیع آن و نیز واردات غلات از مناطق مجاور بود. کمبود غلات به ویژه گندم که کالایی حیاتی به شمار می‌آمد، دولت را ناگزیر می‌کرد تا علاوه بر سرازیر کردن غلات ذخیره شده به بازار، تدابیر دیگری نظیر توزیع غلات در میان نیازمندان، کاستن از تراکم جمعیت در مصر، قیمت‌گذاری و تعیین نرخ واحد برای غلات و سیاست‌های تنبیهی برای متخلفان را نیز در دستور کار قرار دهد. برای مثال در سال ۶۶۲ ق به دستور سلطان مقرر شد روزانه ۵۰۰ اردب از غلات ذخیره شده در انبارهای

سلطانی به مردم ناتوان فروخته شود و در پی این اقدام، قیمت غلات کاهش یافت. وی همچنین مقرر کرد تا به تقسیم صدقات بپردازند و کار تأمین فقرا را میان تاجران و ثروتمندان تقسیم و روزانه میان آنان نان توزیع کنند (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۲/ ۵-۶). کار توزیع غلات از انبارهای سلطانی در سال ۶۷۶ ق نیز برای مهار شرایط بحرانی، ضرورت یافت و به ۶۵۰ اردب جو و گندم در روز رسید و به مدت دو ماه این کار ادامه داشت (همو، *اغاثه الامه*، ۱۰۷). همچنین در سال ۷۰۹ ق به سبب قحطی و کمبود گندم، امیر عزالدین ایدمر خطیری از سوی سلطان مملوکی مأموریت یافت تا میزان معینی گندم از انبارهای سلطانی بفروش رسد (همو، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۲/ ۴۳۱). در سال ۷۳۶ ق در پی مرگ گروهی از کشاورزان در اثر شیوع بیماری و قحطی و کمبود غلات ناشی از آن، دولت ناگزیر برای تأمین غلات مورد نیاز مردم و مهار قیمت‌ها، از انبارهای حکومتی گندم با قیمت کمتر فروخته شود (ابن ایاس، ۱/ ۴۷۱-۴۷۲). در سال ۷۶۴ ق نیز در پی کاهش آب نیل و وقوع قحطی، امیر یلبغا به توزیع غلات بین مردم نیازمند و اهل علم از انبارهای دولتی پرداخت (همان، ۱/ ۱ ق ۲، ۶-۷). گاه به سبب ساختارهای معیوب اقتصادی، سیاست توزیع غلات از انبارهای دولتی، راه به جایی نمی برد. در سال ۶۸۲ ق امیران غلات انبارهای دولتی را در بازار توزیع و قیمت هر اردب غله را نیز ۲۵ درهم تعیین کردند؛ ولی این اقدامات در مهار تورم تأثیر چندانی نداشت و اوضاع بحرانی تا فصل زراعی بعدی تداوم یافت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۱۲/ ۱۷۸). واردات غله از مناطق مجاور، سیاست دیگری بود که ممالیک برای مهار اوضاع اقتصادی و مدیریت شرایط بحرانی، در پیش گرفتند. تاجران نیز به تبع سیاست‌های دولت و هنگام بروز گرانی‌ها، از مناطق دیگر گندم و غلات به مصر وارد می کردند (همان، ۴/ ۳۷۸). برای مثال، در سال ۶۷۶ ق با تداوم کاهش آب نیل، خشکسالی گسترده و بروز قحطی، واردات غلات جاهای دیگر، در بهبود اوضاع طاقت فرسا مؤثر بود (ابن ایاس، ۱/ ۳۹۰-۳۹۱). همچنین در سال ۶۹۴ ق نیز برای مهار اوضاع اقتصادی در اسکندریه، واردات غله صورت گرفت (العینی، ۳/ ۲۷۵-۲۷۷). گاه واردات غله نقشه سودجویان و محترکان غله را نقش بر آب می کرد: در رجب سال ۷۳۶ ق از شام و شهرهای دمشق و اواخرماه شعبان همان سال نیز، واردات گندم از طریق خشکی و دریا، موجب شد تا صاحبان غله برای جلوگیری از زیان بیشتر، غلات خود را برای فروش از انبارها خارج کنند. از سوی دیگر، کشاورزان نیز ناچار به برداشت

زودتر از موعد محصول روی آوردند تا بتوانند غلات خود را به فروش برسانند. در پی این اتفاق، قیمت‌ها روند نزولی یافت و هر ۸ رطل نان به یک درهم فروخته می‌شد؛ در حالی که قبل از آن هر ۶ رطل آن یک درهم قیمت داشت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ۲۰۱/۳). گرانی غلات در سال ۷۸۲ق نیز واردات غلات به مصر را ضروری کرد (همان، ۹۰/۵-۹۱).

قیمت‌گذاری غلات

قیمت‌گذاری دستوری کالاها به ویژه غلات، یکی دیگر از تدابیری بود که ممالیک برای مهار بازار و مدیریت شرایط بحرانی به کار می‌گرفتند. سیاست‌های دستوری با توجه به تعارض آنها با ساز و کار عرضه و تقاضا در اقتصاد، نتایج محدودی در پی می‌آورد و اغلب گذرا و کوتاه‌مدت بود. مانند گرانی و قحطی سال ۷۳۶ق که سلطان پس از حصول اطمینان از دست داشتن امیران دربروز این بحران، ضیاء الدین یوسف را بر مقام محتسب مصر گماشت. وی پس از ضبط و برآورد غلات انبارهای امیران، قیمت هر اردب گندم را ۳۰ درهم تعیین کرد. پس از آن، کسی حق فروش غلات خود را بالاتر از قیمت تعیین شده نداشت. با این حال ضیاء الدین یوسف دریافت که دلالت امیر قوصون و امیر بشتاک، غلات را به قیمتی بالاتر از نرخ تعیین شده می‌فروشنند. سلطان پس از اطلاع امیران متخلف را مجازات کرد و بعد از آن هیچ امیری جرأت نداشت انبار غلات خود را بدون اجازه محتسب باز کند. همچنین سلطان برای مهار اوضاع و جلوگیری از احتکار، در نامه‌ای از والیان شهرها خواست تا تمام غلات را به مصر منتقل کنند و هیچ غله‌ای در انبارها و مخازن سایر مناطق ذخیره نگردد. سپس بر اساس نیاز هر شهر، گندم کافی و با قیمت تعیین شده اختصاص داد (همان، ۱۹۹/۳-۲۰۱). در سال ۷۴۵ق نیز پس از افزایش شدید قیمت غلات و سایر کالاها، محتسب مصر از سوی سلطان مأموریت یافت تا سیاست قیمت‌گذاری را اجرا کند. محتسب پس از تعیین قیمت غلات، دلالت بازار را واداشت تا غلات را بالاتر از نرخ تعیین شده نفروشد (همان، ۴۱۸/۳).

جابجایی جمعیت و توزیع افراد نیازمند در میان ثروتمندان

از جمله راهبردهای کوتاه‌مدت ممالیک برای مدیریت شرایط بحرانی ناشی از کمبود و گرانی غلات، جابجایی محدود جمعیت مصرف‌کننده از مناطق بحرانی به مناطق

غیربحرانی و دیگر توزیع جمعیت نیازمند در بین افراد متمکن و برخوردار جامعه بود تا فشار ناشی از گرانی‌ها بر حکومت و مردم اندکی کاهش یابد. برای مثال سلطان منصور سیف الدین قلاوون در سال ۶۸۲ ق با گسترش گرانی غلات در مصر، تصمیم گرفت با انتقال لشکر به شام از شمار افراد متقاضی و مصرف کننده غلات در مصر بکاهد؛ گو اینکه اجرای سیاست مذکور تأثیر چندانی در قیمت‌ها نداشت (مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۱۷۸/۲).

توزیع افراد نیازمند و فقرا در بین ثروتمندان و افراد متمکن چون امیران و تجار در شرایط سخت اقتصادی، یکی دیگر از تدابیر کوتاه‌مدت ممالیک برای عبور از بحران، کاهش بار حکومت و تقلیل فشارهای اقتصادی بر افراد محروم بود. برای مثال در سال ۶۶۱ق سلطان مملوکی، ۲۵۰۰ نفر از فقرا و حرافیش^۱ را میان امیران تقسیم کرد. وی همچنین شماری از آنها را به فرزندش ملک سعید و نایب‌السلطنه سپرد و هم‌زمان با این اقدام، برای آنها سرانه نان و گوشت نیز مقرر داشت تا از مردم چیزی درخواست نکنند (ابن ایاس، ۳۱۹/۱). ممالیک، سیاست مذکور را در سال‌های ۶۶۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۷۷۵ و ۷۷۶ق نیز برای مدیریت بحران و مهار اوضاع اقتصادی به کار گرفتند (العینی، ۳/۲۷۵-۲۷۷؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ۵/۲-۶، ۲۶۲-۲۶۳؛ همو، اغاثه الامه، ۱۰۸-۱۰۹؛ ابن ایاس، ۱ق/۲، ۱۲۴-۱۲۶، ۱۴۰).

سیاست‌های تنبیهی

مصادره اموال افراد متخلف، مجازات محتکران و عاملان گرانی‌ها از جمله سیاست‌های معمول در دوره ممالیک بود. اجرای این سیاست‌ها که برای مهار اوضاع آشفته اقتصادی و کاهش فشار بر جامعه صورت می‌گرفت، گاه کاربردی چند گانه داشت. مصادره اموال امیران و صاحب منصبان، هم ابزاری برای مجازات کارگزاران متخلف بود و هم شیوه‌ای برای کسب درآمد و تأمین منابع مالی و نیز جبران کسری بودجه حکومت ممالیک به شمار می‌آمد (شربینی، ۵۶). برای مثال در سال‌های ۶۷۶ و ۶۹۵ق به سبب وقوع گرانی، مصادره اموال افزایش یافت. چنانکه در سال ۶۹۶ق در پی گرانی و قحطی ناشی از

۱. حرفوش یا حرفی (ج: حرافیش و حرفه) به کسی گفته می‌شود که حرفه‌ای ندارد و صاحب دکانی نیست تا در آن به حرفه‌ای مشغول باشد. به نوشته ابن تغری بردی، حرافیش به افراد خشن، تند و آماده شر گفته می‌شود. این گروه از فرودست‌ترین طبقات اجتماع هستند و از فقیران و آوارگان به شمار می‌آیند و در بیماری‌ها و گرانی‌ها اغلب آسیب‌پذیرند (ابن تغری بردی، ۹۷/۱۵؛ احمد دهمان، ۶۰-۶۱).

تغییرات نیل، هجوم موش‌ها و از بین رفتن محصولات کشاورزی و افزایش هزینه‌های حکومت و کاهش منابع مالی، مصادرهٔ اموال رو به افزایش نهاد (مقریزی، *اغاثه الامه*، ۱۰۷). در سال ۷۳۸ق نیز به سبب کاهش منابع مالی ممالیک و افزایش هزینه‌ها، چنین وضعیتی پیش آمد (همو، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، ۳/ ۲۴۹). در سال ۷۳۶ق که سربازان گندم احتکار کردند و دستور سلطان را در خصوص تحویل غلات به حکومت، نادیده گرفتند، سرانجام والی مصر دستور داد تا غلات آنان را مصادره کنند (همان، ۳/ ۲۰۱).

علاوه بر مصادرهٔ اموال متخلفان، عزل افراد مؤثر در تشدید گرانی، از جمله اقدامات ممالیک برای مدیریت بحران و مهار فضای روانی جامعه بود؛ مثلاً قاضی شهر قوص چون قصد افزایش قیمت‌ها را داشت، سلطان او را پیش از هر اقدامی عزل و اموالش را مصادره کرد (بطاوی، ۱۴۵-۱۴۶). همچنین محتسب مصر، دمیری که در بروز گرانی سال ۷۸۲ق نقش داشت، به سبب اعتراضات گستردهٔ مردم عزل شد (مقریزی، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، ۱۵/ ۹۰-۹۱).

مجازات و مصادرهٔ برخی از گروه‌های معترض و آشوبگر که در وقوع گرانی نقش چشمگیری داشتند نیز، در دستور کار دولت ممالیک قرار داشت؛ از جمله اعراب که به سبب غارت کاروان‌های تجاری، تخریب بازارها و محصولات کشاورزی و کشتار کشاورزان در روستاها موجب کاهش غلات و وقوع قحطی و گرانی می‌شدند. حکومت به محض دستگیری هر یک از آنان، بلافاصله اموالشان را مصادره، خانوادهٔ آنها را اسیر می‌کرد و خودشان را گردن می‌زد (شربینی، ۲۹۴-۲۹۶). هر چند از نگاهی دیگر به خوبی می‌توان دریافت که اقدامات سرکوبگرانهٔ دولت در مواجهه با این گروه به سبب اشتغال طیف گسترده‌ای از عرب‌ها در کار کشاورزی در مناطق حاصلخیز مصر، خود از عوامل مهم در رکود کشاورزی و کاهش غلات و در نتیجه گرانی بود (طقوش، ۴۶). به علاوه، اقدام برخی از سلاطین مملوک نیز در سوق دادن آنها به کاری غیر از کشاورزی مؤثر بود. برای مثال، سلطان بیبرس از جنگاوری و دلیری عرب‌های بدوی در جهت اهداف نظامی خود بهره برد و آنان را وارد لشکر خود کرد (مقریزی، *السلوک لمعرفة دول الملوك*، ۱/ ۵۶۱).

نتیجه

گرانی پدیده‌ای بود که در بیشتر سال‌های حاکمیت ممالیک بحری و در اثر عوامل مختلف طبیعی و انسانی در مصر رخ می‌داد. تغییرات نیل و نقصان و فیضان آن مهم‌ترین عامل طبیعی مؤثر در خشکسالی و قحطی و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن بود. از مهم‌ترین عوامل انسانی تأثیرگذار در بروز گرانی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی در

این دوره، می‌توان به کارگزاری و عاملیت حکومت در اقتصاد علاوه بر نقش نظارتی آن اشاره کرد، کارکردی که نقش نظارتی حکومت را نیز به مخاطره انداخته و آن را از حیث انتفاع ساقط کرده بود. بخش اعظم اقتصاد مصر در این دوره در انحصار حکومت و کارگزاران وابسته به آن قرار داشت. انحصارگرایی در اقتصاد، اجرای سیاست‌های حکومت برای خروج از بحران‌های اقتصادی را با موانع جدی مواجه می‌ساخت. اغلب استراتژی‌ها و راه‌حل‌های مبتنی بر اقتصادی دستوری بود، نظیر قیمت‌گذاری کالاها و غلات که بارها و بدون توجه به ساز و کار عرضه و تقاضا در این دوره رخ داد، و ماهیت موقت و گذرا داشتند و معطوف به حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی و گرانی‌های ناشی از آن نبودند. سوداگری کارگزاران دستگاه دیوان‌سالاری به ویژه امیران در این دوره که از طریق نظام بسط یافتهٔ اقطاع، در حوزه‌های مختلف اقتصاد منافع خاص داشتند، نه تنها ریشه‌ی برخی از مشکلات اقتصادی نظیر احتکار و گرانی بود، بلکه سیاست‌های حکومت برای مهار شرایط را نیز با ناکامی مواجه می‌ساخت. از سوی دیگر ماهیت غیربومی ممالیک و مشروعیت سیاسی شکننده و ناپایدار، تصمیم‌گیری آنها را با چالش‌ها و تنگناهایی مواجه می‌کرد. از جملهٔ این چالش‌ها، چگونگی تعامل ممالیک با قبایل عرب بدوی ساکن در مناطق مختلف مصر بود. مقابله نظامی با این قبایل که اغلب پیشه‌ی کشاورزی داشتند و سرکوب شورش‌های آنها که بیشتر ناشی از مشکلات اقتصادی بود و نیز مصادره اموال و زمین‌های آنها، نتیجه‌ای جز شورش‌های انتقام‌جویانه‌ی بعدی، تخریب اراضی زراعی و نابودی کشاورزان نداشت؛ سیاستی که به جای نگاه راهبردی به مسأله و حل ریشه‌ای آن، خود زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی و قحطی و گرانی‌های ناشی از آن بود. در مجموع و بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که به رغم تأثیر عوامل طبیعی در بروز نابسامانی‌های اقتصادی و گرانی، بحران‌های اقتصادی ناشی از عوامل انسانی نظیر نوع حکمرانی، اقتصاد انحصارگرا و دستوری، سوداگری و فساد کارگزاران حکومت و سیاست داخلی ناکارآمد به مراتب گسترده‌تر، مخرب‌تر و دیرپاتر بودند.

منابع

- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، تحقیق حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۹۹۲م.
- ابن ایاس، محمد بن احمد، *بدائع الزهور فی وقائع الدهور*، تصحیح محمد مصطفی، قاهره: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۷۵م.

- ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر، البدايه والنهائيه، بيروت: دارالفكر، ١٩٨٦م.
- احمد دهمان، محمد، معجم الالفاظ التاريخيه في العصر المملوكي، دمشق: دارالفكر، الطبعه الاولى، ١٩٩٠م.
- البطاوي، حسن احمد، اهل العمامه في مصر عصر سلاطين المماليك، عين للدراسات والبحوث الانسانيه والاجتماعيه، الطبعه الاولى، ٢٠٠٧م.
- دواداري، ابوبكر بن عبدالله بن آيبك، كنز الدرر و جامع الغرر، تحقيق ا.هارمان، هانس روبرت رويمر، دارالكتب، ١٩٧١م.
- زكي فهمي، نعيم، طرق التجاره الدوليه و محطاتها بين الشرق و الغرب، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٧٣م.
- سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، حسن المحاضره في اخبار مصر والقاهره، تحقيق منصور، خليل عمران، بيروت: دارالكتب العلميه، الطبعه الاولى، ١٣٧٥.
- شبارو، عصام محمد، دولت مماليك و نقش سياسي و تمدني آنان در تاريخ اسلام، ترجمه شهلا بختياري، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ١٣٨٠.
- الشرييني البيومي، اسماعيل، مصادره الاملاك في الدوله الاسلاميه، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٩٧م.
- طرخان، ابراهيم علي، النظم الاقطاعيه في الشرق الاوسط في العصور الوسطى، قاهره: دارالكتب العربي للطباعه و النشر، ١٩٦٨م.
- طقوش، محمد سهيل، تاريخ المماليك في مصر و بلاد الشام، بيروت: دارالنفائس، ١٩٩٧م.
- عبدالرشيد بحر، مجدي، القرية المصريه في عصر سلاطين المماليك، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٩٩م.
- عبدالمنعم، ايمان محمد، العربان و دورهم في المجتمع المصري في النصف الاول من القرن التاسع عشر، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ١٩٩٧م.
- عبدالهادي موسى، محمد جمعه، تاريخ الحسيه والمحتسيين، دارالافاق العربيه، الطبعه الاولى، ٢٠١٦م.
- عبده قاسم، قاسم، النيل والمجتمع المصري في عصر سلاطين المماليك، قاهره: دارالمعارف، الطبعه الاولى، ١٩٧٨م.
- العيني، بدرالدين محمد، عقد الجمان في تاريخ اهل الزمان (عصر سلاطين المماليك)، تحقيق محمد محمد امين، دارالكتب والوثائق القوميه، ٢٠١٠م.
- قلقشندي، احمد بن عبدالله، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، تصحيح و تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلميه، بي تا.
- مقريزي، احمد بن علي، اغاثه الامه بكشف الغمه، تحقيق كرم حلمي فرحات، عين للدراسات

- والبحوث الانسانيه و الاجتماعيه، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
- همو، السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۹۹۷م.
- همو، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- المنصوري، بيبرس، زبده الفکره في تاريخ الهجره، تحقيق دونالد.س. ريتشاردز، بيروت، الطبعه الاولى، ۱۹۹۸م.
- نويری، شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب، نهايه الأرب في فنون الأدب، دارالكتب والوثائق القوميہ، قاهره، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- اليوسفي، موسى بن محمد بن يحيى، نزهة الناظر في سيره الملك الناصر، تحقيق احمد حطيط، بيروت: المزرعه بنايه الايمان، ۱۹۸۶م.
- كمال موجاني، وان؛ احمد خلف، عبدالله، «دور الاقطاع في عصر المماليك البحريه»، مجله الدراسات الاسلاميه و الفكر للبحوث التخصصيه، ج ۱، عدد ۱، صص ۹۸-۱۱۷، ۲۰۱۵م.
- Fischel, J Walter, "The Spice Trade in Mamluk Egypt", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol.1.No.2, pp.157-174, 1958.
- Lapidus, I .M., "The Grain Economy of Mamluk Egypt", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 12. No. 1, pp. 1-15, 1969.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی